معنای غفلت از آخرت در دنیا

شاگرد: فرمودید موقف میثاق فراموش شده است، ولی معرفتش ثابت است؛ چرا حضرت وقتی میخواهند این معرفت را یادآوری کنند مثال به سفینه میزنند؟ در حالت عادی این معرفت برای افراد هست؟ کسی که ملحد است این معرفت برایش ثابت است که با آن مخالفت میکند؟ یا اینکه در حالت عادی، حجاب غفلت آمده است؟

استاد: ظاهراً همین واژهی اخیری که به کار بردید، کلید مطلب است. حجاب غفلت، اصل کار است.

غفلت به چه معنا است؟ اینطور که در خاطرم هست، علامه طباطبایی[1] رضوان اللّه تعالی علیه،

وقتی به آیهی «لَّقَدْ كُنتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ»[2] میرسند، مضمون آیه را خیلی بلند میبینند. روی این کلمهی «غفلت» تأکید دارند. میفرمایند: غفلت در جایی است که وقتی بخواهد نگاه کند، میتواند ببیند. اگر یک جایی چیزی باشد که شما نتوانید ببینید، نمیگویند غافل هستید. غافل در جایی است که میتوانید ببینید، اما چون غفلت میکنید، نمیبینید. این فرمایش ایشان است. البته یک بار دیگر با محتملات دیگر هم بحث کردهایم.

روی همین فرمایش ایشان، در آیهی شریفه میفرماید: «لَّقَدْ كُنتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا»؛ یعنی از همین آخرتی که الآن حاضر شدهای، اگر در دنیا در غافل نبودی، میدیدی همین آخرت را؛ یعنی میتوانستی ببینی. مضمون خیلی عجیبی است. «فَكَشَفْنَا عَنكَ غِطَاءَكَ»؛ این، کشف غطای غفلت است. نه غطاء غیر غفلت و لذا اگر غفلت نبود [میدیدند لذا میفرماید:] «لَهُمْ قُلُوبٌ لاَّ يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لاَّ يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لاَّ يَسْمَعُونَ بِهَا أُوْلَـئِكَ كَالأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُوْلَـئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» خیلی عجیب است؛ یعنی غفلت است که باعث شده چشم نمیبینند، اگر این غفلت برود، چشم میبینند و گوش میشنود. مثل سایر چیزهای دیگر. این مبنا، خیلی مبنای مهمی است. ولو تقریرهای دیگری هم برای آیهی شریفه هست. قبلاً هم بحث کردهایم. اما خود این مبنا، یک کلام نیست. ببینید اینها چطور دست به دست هم میدهد! حضرت امام رضا علیهالسلام منظرهای با عمران صابی داشتند؛ عمران صابی یک متکلمی بسیار قوی بود. بلد اسلام را گشته بود. هیچ کسی نتوانسته بود او را در منظره مغلوب کند. لذا مامون وقتی میخواست مقام علمی حضرت علیه السلام را تنقیص کند و پایین بیاورد، دنبال قویترین افراد گشته بود تا حضرت علیه السلام را گیر بیاندازند و گفتند: کسی بالاتر از عمران صابی نیست. آمد و در وقت نماز شده بود، به حضرت علیه السلام عرض کرد: «لا تقطع علیّ کلامی». حضرت علیه السلام فرمودند: وقت نماز شده است، دو رکعت نماز بخوانیم. گفت: «لا تقطع علیّ کلامی». دلش چنان دنبال امام علیه السلام بود که گفت سخن را قطع نکنید، نماز را یک وقت دیگر میخوانید. بعد حضرت علیه السلام فرمودند: خیر؛ تو صبر کن، بر میگردیم، من قطع نمیکنم. نماز را خواندند و ادامه دادند. این منظرهی عمران صابی، خیلی مهم است. در همین منظره حضرت میفرمایند: «وَمَن كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ»[3]، این آیه را میخوانند و دنبالهاش میفرمایند: «یعنی من کان عن الحقائق الموجودة»[4]؛ حقایق موجودهٔ یعنی حقایق، در اینجا هست، اما چشمش بستهٔ است. بنابراین اینطور نیست که اینها نباشد، بلکه هست.

[1]. علامه ی طباطبای ی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۲.

[2]. ق، آیه ی ۲۲.

[3]. الاسراء، آیه ی ۷۲.

[4]. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۶۸.

بازبینی #2
ایجاد شده 20 ژوئیه 2024 11:40:22 توسط ... .
به روزرسانی شده 20 ژوئیه 2024 12:25:56 توسط ... .